

یک اتفاق ساده

آخرین وضعیت حکم جعفر پناهی

■ ایستنا: وکیل مدافع جعفر پناهی، با تأیید تلویحی قطعی شدن رای اولیه این کارگردان سینمای ایران در دادگاه تجدیدنظر تأکید کرد که نسبت به این حکم درخواست اعاده دادرسی خواهد کرد. فریده غیرت افزود: حکم تجدیدنظر جعفر پناهی تاکنون به من ابلاغ نشده است، اما آنچه در رسانه‌ها شنیده‌ام و ظاهرًا نیز صحت دارد، حکایت از تأیید قطعی حکم اولیه آقای پناهی دارد. به هر حال امیدوار بودیم که این حکم نقض شود اما ظاهراً چنین اتفاقی رخ نداده است. وی افزود، شش سال حبس و ۲۰ سال محرومیت از فعالیت‌های سینمایی و خروج از کشور حکمی است که در تجدیدنظر تأیید شده است. با ابلاغ رای به اینجانب، قطعا در اولین فرصت درخواست اعاده دادرسی خواهم کرد تا پرونده در دیوان عالی کشور مورد بررسی قرار گیرد غیرت خاطر نشان کرد: آقای پناهی و خانواده ایشان نیز در جریان این حکم قرار دارند، وکیل مدافع جعفر پناهی همچنین با اشاره به حکم «رسول‌اف» دیگر کارگردان سینمای ایران خاطر نشان کرد: خوشحالمی که حکم آقای رسول‌اف به یک سال کاهش پیدا کرده است. آقای پناهی و رسول‌اف هر دو با اتهام ساختن یک فیلم دادگاهی شده بودند اما اینکه دادگاه تجدیدنظر دو نگاه متفاوت به این پرونده‌ها داشته، قابل بحث است. وی تأکید کرد: اتهاماتی که به جعفر پناهی زداند، هیچ کدام وارد نبوده است، اقدام علیه امنیت ملی حتی به مفر پناهی هم خطور نکرده است. او مملکتش را دوست دارد و با اینکه کارها می‌توانسته از ایران خارج شود، چنین کاری نکرده است. او علاقه زیادی به کشورش دارد.

گزارش

گزارش اختصاصی «شرق»

از پنجمین جشنواره فیلم اوبولی

رقابت سه نماینده کشورها در اسکار

حبیب باوی‌ساجد

■ بابرگزارى جشنواره‌های سینمایی نظیر جشنواره‌فیلم قاهره، دویى و لوبولئى، ناسیمنا و سینماگران جهان به این بخش از خاورمیانه سوق پیدا کرده است. وجه تفاوت جشنواره‌های سینمای عربى با مثلا جشنواره سینمای فجر در ایران، که عمر ۳۰ساله دارد، سینما گرانی است که هر یک به فراخور نظر گامش در شناساندن خاورمیانه می‌کوشد و برخی از آنها البته از شاخص ترین سینماگران جهان سینما هستند. این سینماگران، نکات بازی هستند در مطرح شدن جشنواره‌های سینمای عربى که متأسفانه به علل و علتهای مختلف کمتر می‌توان نشانی از آنها در جشنواره‌های مهم سینمایى ایران سراغ گرفت. افتخاحیه این دوره از جشنواره با نمایش فیلم «قای لهر» به کارگردانى «فلیپ فالاردو» رقم خورد. این فیلم، نماینده کانادا در بخش فیلم‌های خارجى آکادمى اسکار است. نکته بارز اینکه دو فیلم دیگر در جشنواره نیز نماینده کشورشان در اسکار هستند «پینا» به کارگردانى «ویسم وندرس» از آلمان و «جدایی نادر از سیمین» از ایران. در پنجمین دوره از جشنواره بین‌المللی فیلم اوبولی ۱۷۹ فیلم از ۴۲ کشور جهان از جمله ایران به رقابت می‌پردازند.

تجیب محفوظ و سینما

یکى از بخش‌های مهم و در خور توجه این دوره از جشنواره، گرامیداشت «لیند رانان تاگور» شاعر هندی و نخستین برنده غیرعربى جایزه نوبل به مناسبت ۵۰سالگی ولادتش ویزر گامش «تجیب محفوظ» تنها نویسنده عرب برنده جایزه نوبل، به مناسبت صدسالگی تولد اوست.در بخش گرامیداشت محفوظ، شش فیلم از مصر و دو فیلم از مکزیک که براساس آثار داستانی محفوظ ساخته شده‌اند، به نمایش درمی‌آیند.

سینما و سینماگران ایران

حضور سینما و سینماگران ایران، امسال نیز همانند دیگر دوره‌های این جشنواره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. «فاطمه معتمدآریا» داور بخش سینمای آسیاى «پس و «پهمن قیادى» رییس بخش «چشم‌اندازهای نو»، «هسغر فرهادى» با فیلم تحسین‌شده «جدایی نادر از سیمین» در بخش اصلی مسابقه فیلم‌های بلند حضور دارد و زرم‌مهسا خبیر از آفریدن افتخار دیگری برای سینمای ایران می‌دهد. «مید اللبالی» و «سيفالله صیدان» نیز با سه فیلم در بخش مسابقه فیلم‌های کوتاه شرکت دارند. در میان میهمانان جشنواره، نام «محمدرضا فرطوسى»، «فرید دغاغله» و «حسین عباسى» از مستندسازان ایرانی دیده می‌شود.

از دیگر بخش‌های جشنواره اوبولی چه خبر؟

بخش فیلم‌های بلند داستانی، بخش چشم‌اندازهای نو، بخش فیلم‌های مستند بلند، بخش جهان ما، بخش فیلم‌های کوتاه» بخش فیلم‌های امارات، بخش مسابقه فیلم‌های کوتاه امارات، بخش انتخاب مردم، بخش انتخاب منتقدان و بخش سینمای آسیا، سینمای جهان و خاورمیانه را به قضاوت می‌نشینند. جشنواره سینمایی اوبولی، نخستین بار سال ۲۰۰۷ (۱۳۸۵) در امارات متحده عربی برگزار شد.

دور دنیا

■ شهر مکزیکوسیتی، پایتخت کشور مکزیک این روزها میزبان بازدیدیدکنندگان نمایشگاه بین‌المللی کتاب است. ■ محققى از دانشگاه آکسفورد مدعی شده که نقاشى را که «کریستیز» به قیمت ۲۱هزار دلار به فروش رسانده، یکى از آثار لئونارد دو وینچى، هنرمند معروف قرون وسطای ایتالیا بوده است. «بارتین کمپ» این تاریخدان هنرى گفت این اثر از صفحات کتابى ۵۰۰ ساله بریده شده.

انسانیتی که زمانی در فیلم‌های سینمای ایران به نمایش گذاشته می‌شد، از بین رفته است. لطافت مناسبات انسانی کمرنگ شده است... نگاهها به جشنواره‌های داخلی و خارجی غیر حرفه‌ای و غیر صنفی است... این جمله‌ها متعلق به من نیستند، حرف‌ها و شاید درد دل‌هایی است که فاطمه معتمد آریا در گفت‌وگو با «شرق» بیان می‌کند. وقتی هنرمندی مثل او که سابقه‌ای پرهامیت و طولانی در سینمای ما دارد، نقدهایی جدی به این سینما دارد، یعنی باید حرف‌های او و بسیاری دیگر از همکارانش را جدی گرفت. علاوه بر اینها، متأسفانه او در ماه‌های اخیر گرفتار نگاه‌های حاشیه‌ای شده که قطعا نتیجه روشن آنها دور شدن از متن و موضوعات اصلی سینماست. شاید عده‌ای تمایل نداشته باشند به مسایل اصلی سینمای ایران در فضایی بدون چالش‌های حاشیه‌ای پرداخته شود... گفت‌وگو ما را با فاطمه معتمد آریا درباره بحث آموزش در سینمای ایران و جایگاه این سینما در دنیاخوانید.

ما در حال حاضر مشغول چه کارهایی هستیم؟ فیلم یا نمایشی دارید؟

الان مشغول تمرین نمایشی به نام «امه‌هایی از تب» هستیم که پارسال در جشنواره تئاتر شرکت کرده بود. متن کار، نوشته آقای محمد چرمشیر است و کارگردان هم آقای سیامک احصایی و فرات است. آن و اثر ماهی صحنه برود.

ما در مورد سینما چطور، خبر تازه‌ای در مورد بازی در فیلم سینمایی دارید؟

نه فعلا کار نمی‌کنم.

ما دلایل بیشتر بازی در تئاتر است یا دلیل دیگری هم دارد؟

فعلا هیچ پیشنهاد ویژه‌ای نداشتیم که علاقه به کار در آنها را داشته‌باشم.

ما اگر بخواهید یک نگاه کلی به مقوله آموزش در سینما داشته باشید، چه می‌گویید؟ و با توجه به اینکه داشتن دانش در هر رشته‌ای امروزه اجتناب‌ناپذیر شده است، تصور می‌کنید تا چه اندازه آموزش در سینمای ایران و فراگیری علوم مربوط به آن جدی گرفته می‌شود؟

فکر می‌کنم اگر برای هر آدم منطقی‌ای توضیح دهیم که بازیگری، یک فن است و برای این فن حتما باید ابزار آن را پیدا کرد و آموزش دیده کسی مخالفتی نداشته باشد. به هر جهت در حال حاضر، خوشبختانه به دلیل مدرک یا به دلایل دیگر، خیلی‌ها مشتاق آموزش هستند. در مورد سینما هم بعید می‌دانم کسی مخالفتی با آموزش داشته باشد.

ما آیا در فضای آموزشی کشور این قابلیت وجود دارد که آموزش سینمایی به شکلی ایده‌آل ارایه شود؟

بله؛ ولی متأسفانه آموزشگاه‌های سینمایی معتبر و با استاندارده حرفه‌ای زیادی وجود ندارد.

ما نظرتان در مورد آموزشگاه‌های سینمایی که چندتا از آنها هم خیلی برجسته و فعال شده‌اند، چیست؟ آیا می‌توانند در زمینه آموزش تأثیر گذار باشند؟

قطعاً. بعد از آموزشگاه‌های برجسته شده‌اند، و ویژگی‌های سینما هم از آنها در جشنواره‌های مهم سینمایى ایران سراغ گرفت. افتخاحیه این دوره از جشنواره با نمایش فیلم «قای لهر» به کارگردانى «فلیپ فالاردو» رقم خورد. این فیلم، نماینده کانادا در بخش فیلم‌های خارجى آکادمى اسکار است. نکته بارز اینکه دو فیلم دیگر در جشنواره نیز نماینده کشورشان در اسکار هستند «پینا» به کارگردانى «ویسم وندرس» از آلمان و «جدایی نادر از سیمین» از ایران. در پنجمین دوره از جشنواره بین‌المللی فیلم اوبولی ۱۷۹ فیلم از ۴۲ کشور جهان از جمله ایران به رقابت می‌پردازند.

نمایشنامه‌ای از احمد رضا احمدی روی صحنه

شرق: نمایش «فردوگه – پروزا ۷۰۷» نوشته احمدرضا احمدی به کارگردانی داوود رشیدی از ۲۷ بهمن در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر به مدت دوماه به صحنه می‌رود. نمایشنامه «فردوگه – پرواز ۷۰۷» رویترز زندگی یک شاعر است و به مقولاتی چون مرگ، عشق و آرزو می‌پردازد.

پاس پنج زن سینماگر به سلحشور:

سینمای خجالت‌بار را به حال خود رها کنید

به نظر می‌رسد بازیگران سینما توهین های فرج الله سلحشور را بی جواب نگذاشتند. پنج بازیگر زن سرشناس نسل جوان سینما در یادداشتی به اظهارات اخیر فرج‌الله سلحشور، کارگردان مجموعه «یوسف پیامبر» پاسخ دادند. در این متن که به امضای ترانه علیدوستی، پگاه آهنگرانی، نگار جواهریان، هانیه توسلی و باران کوثری رسیده، آمده است: «جناب آقای سلحشور، از اینکه می‌بینیم آن همه پرداختن به زوایای نوری زندگی پیامبران و سرشنس قرار دادن منش ایشان تأثیری در کلام‌تان نداشته و در نهایت شهرت‌تان را از نفرت‌پرانی و بی‌ادبی در برابر موعون‌تان به دست آورده‌اید، بسیار متأسفیم. ای کاش لطف کنید سینمای ما را که خجالت می‌کشیم بگوییم شما را یاد کجا می‌اندازد، به حال خود رها کنید، شاید که رسنگار شوید و آرایش و صلح و محبت به وجدان نگران‌تان بازگردد.» همچنین داوود رشیدی، رییس انجمن بازیگران خانه سینما ضمن اعلام اعتراض سینماگران و بازیگران سینمای ایران به جدیدترین شرکت‌دارند در میان میهمانان سلحشور درباره بازیگران زن سینمای ایران اعلام کرده است که در جلسه آینده انجمن بازیگران این موضوع بررسی خواهد شد. داوود رشیدی در صحبت‌هایش اظهارات اخیر فرج‌الله سلحشور را بی‌احترامی وی به بازیگران

ادب‌و هنر



تصویر: آرشین رهبر، مدیرفوق

فاطمه معتمدآریا:

فیلم‌های اجتماعی ایرانی سطحی است

سهام‌الدین بورقانی

مثبتی داشته‌اند و تأثیراتشان را بر سینمایمان دیده‌ام. ولی برای این همه علاقه‌مند سینما و بازیگری کافی نیست و کمبود چنین مرکزی باعث شکل‌گیری آموزشگاه‌هایی شده که متأسفانه بیشتر به دنبال کسب درآمد هستند.

ما اخیراً جوایزی از جشنواره‌های خارجی دریافت کرده‌اید و همین‌طور سینمای ایران جوایزی نصیبش شده است. می‌خواستم بدانم این جوایز چقدر برایتان اهمیت دارد و چه احساسی از گرفتن آنها دارید؟

برای شخص خودم نه می‌توانم بگویم با اهمیت است و نه بی‌اهمیت. وقتی یک نفر خارج از ایران به هر دلیلی موفق می‌شود، برای سینمای ایران اهمیت دارد. وقتی کسی جایزه‌ای در خارج از ایران می‌گیرد، اولین بهره آن را سینمای ایران می‌برد؛ طبیعتاً تمام مرکز مرتبط با سینمای ایران هم می‌توانند به آن منتفع شوند یا از آن بهره‌برداري کنند.

ما نگاه‌دیگران را در مورد این جوایز چطور دیده‌اید؟

یک بحث عمومی‌تری وجود دارد و آن اینکه چرا نگاه‌های ما اینقدر به همه چیز در مورد برتر شدن، بهتر شدن و جایزه گرفتن خصمانه است و دایم فکر می‌کنیم اگر به یکی از اهالی هنر و فرهنگ توجه ویژه‌ای می‌شود سوسپتی وجود دارد. دایم فکر می‌کنیم همه می‌خواهند در داخل و خارج از ما بهره‌برداري کنند. دایما دنبال این هستیم که اشکال کار را پیدا کنیم، نگاه ما در حال حاضر به جشنواره‌های داخلی و خارجی این است؛ نگاهی غیر حرفه‌ای و غیرصنفی.

ما توهمن‌هایی که همیشه وجود دارد...

بله، انگار این نگاه نهادینه شده. برای من هر کسی جایزه‌ای بگیرد به معنای یک «دست‌در‌درنگند» واخسته نباشید» و قطعاً

کمتر پرداخته شده نکته درستی است اما به هر حال فیلم‌هایی مثل «جدایی نادر از سیمین» و «پنجا بدون من» هم ساخته شده‌اند. قبول دارم که اکثر فیلم‌های سینمای ایران چندان شباهتی به این دو فیلم ندارند. منتها با وجود همه دشواری و محدودیت‌ها باز هم، چنین فیلم‌هایی ساخته می‌شود.

به این فیلم‌ها هم که نگاه می‌کنیم، روابط انسانی در آنها حاکم است. هر خشونت، شقاوت و فقری که در این فیلم‌ها وجود دارد، به شکل انتقادی است نه تهاجم به حریم انسانی...

به نظر من اکثر فیلم‌هایی که اخیراً در مورد جامعه ایران ساخته می‌شوند، سطحی است و ناپسامانی‌ها و مشکلات جامعه ما را بی‌منطق و بی‌محتوا مطرح می‌کنند. در فیلم جدایی نادر...

شما می‌توانید جامعه‌تان را نقد کنید ولی اصلاً روابط انسانی زیر سؤال نمی‌رود. ممکن است در روابط اجتماعی مشکلاتی باشد ولی همه را به عنوان انسان قبول می‌کنیم و قضاوتی در موردشان نمی‌کنیم. این مفاهیم در فیلم وجود دارند. نمی‌خواهم بگویم که در جامعه ما همه چیز خوب و گل و بلبل است. نه، اتفاقاً شرایط خیلی سختی برای داشتن یک زندگی معمولی وجود دارد ولی نوع نگاه فرق می‌کند با اینکه برویم زشت‌ترین، کم‌ترین شکل فقر را در یک کودک دبستانی یا یک مادر خیابانی و... نشان دهیم، یا اینکه واقعیت را با یک منش انسانی نشان دهیم. در فیلم «پنجا بدون من» همه در شرایط دشوار و از سر ناچاری، نذاری می‌بینی زندگی می‌کنند ولی مغالط در هیچ لحظاتی ندارم. وقتی که منش انسانی آنها ثبت کرده چون واقعیت‌طبعی است و انسان و انسانیت نگاه شده. این نگاهی است که ما از زندگی پیرو آن از سینمای‌مان حذف کرده‌ایم.

ما البته دیدگاه دیگری هم در مورد فیلمسازی اجتماعی مطرح است. اخیراً آقای صدرعاملی در مصاحبه‌های گفته‌اند که فیلمسازی اجتماعی باید سیاه‌نامی کند. این دیدگاه با نگاه شما تفاوت دارد.

من اصلاً نمی‌گویم که دیدگاه آقای صدرعاملی نباید وجود داشته باشد. مگر می‌شود گفت فقط با یک الگوی خاص باید فیلم ساخت؟ هنر را نمی‌شود محدود کرد. چنین چیزی امکان ندارد و به تعداد همه آدم‌های روی زمین می‌شود کار هنری انجام داد. هر کسی می‌تواند ایده خودش را داشته باشد. من مخالفتی با نگاه آقای صدرعاملی ندارم؛ بلکه ما مطلق شدن این نگاه کار دارم. ۱۰ سال پیش ما همه‌گونه فیلمی می‌دیدیم؛ فیلم‌هایی که همه جهان را از سادگی‌اش تسکان می‌داد تا فیلم‌های فلسفی پیچیده. می‌توانستیم به تعداد همه فیلمسازها

ایده و نگاه داشته باشیم. هر کسی کار خودش را می‌کرد اما الان این فقیه وجود ندارد. اتفاقاً خیلی اشاره درستی کردید؛ الان تنوع دیدگاه وجود ندارد. نمی‌توانم بگویم در تهران دردی نمی‌شود، به حقوق زنان تجاوز نمی‌شود و اتفاق‌های بد رخ نمی‌دهند اما نمی‌شود فقط به یک جنبه نگاه کرد و الا هر روز مورد جنگ درست‌حرف می‌زنیم؛ نه در مورد صلح خوب و نه درباره روابط انسانی‌مان؛ آنچه‌الان به عنوان جایزه در دنیا به سینمای ایران داده می‌شود، آنقدر نادر نیست.

ما اینکه در چند سال اخیر به مناسبات انسانی و اخلاقی

ون گوگ خودکشی کرده است؟

مطالعات جدید نشان می‌دهد «ونسان ون گوگ» اشتباها با شلیک فرد دیگری کشته شده است. تاریخدانان هنری معتقدند ون گوگ با شلیک گلوله‌ای در سینه خود دست به خودکشی زده، اما «استیون نایفه» و «گرگوری وایت اسمیت» در کتاب خود مدعی شده‌اند این نقاش معروف هلندی تصادفاً یک سلحذه‌تیراندازی کشته شده‌است.

حذف نام علی حاتمی در تیتراژ «وضعیت سفید»

مهر: حمید نعمت‌الله از حذف کلمه «به یاد علی حاتمی» در تیتراژ مجموعه «وضعیت سفید» ناراضی است، چراکه دلیل این کار از سوی تولیدیون مشخص نشد. «من در ابتدای سرال نوشتم به یاد علی حاتمی، اما موافقت نشد. تولیدیون که با علی حاتمی مشکلی ندارد و تکرار «هزار داستان» این روزها در حال پشت است.»

رییس کتابخانه ملی ایران: انتقال اسناد سفارزاده رسمی و قانونی است

درحالی‌که رییس بنیاد بیداری از تصرف غیرقانونی اموال و اسناد طاهره سفارزاده رییس و قرآن پژوه معاصر انتقاد کرده است؛ اسحاق صلاحی رییس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران می‌گوید که این اسناد به صورت رسمی و قانونی به سازمان اسناد و کتابخانه ملی استان فارس منتقل شده است و هیچ‌کس نمی‌تواند در صحت آن شک کند.»به نظر می‌رسد دعوایی که بر سر انتقال اموال و اسناد طاهره سفارزاده به سازمان اسناد ملی وجود دارد هنوز به پایان نرسیده است و بنیاد بیداری و سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران هنوز در این مورد با یکدیگر منازعه می‌کنند. صلاحی که روز یکشنبه در نشست خبری این سازمان شرکت کرده بود با انتقاد از انتشار خبرهایی درباره تصرف غیرقانونی آثار طاهره سفارزاده توسط سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران گفت: «به رییس محترم بنیاد بیداری پیشنهاد می‌کنم به دادرسی شریاز مراجعه کنید تا از چندپوچن مساله مطلع شوید.»علامعی فروعی رییس بنیاد بیداری جنیدی پیش در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس با انتقاد از رومانی و خروج مجموعه‌ای غیر متعلق به طاهره سفارزاده از خانه مشترک با همسرش (دکتر وصال) در شریاز، گفت: «دکتر وصال در وصیت‌نامه‌اش تأکید کرده که



این روزها شهر برمن میزبان مجموعه‌ای بزرگ از آثار یکی از مهم‌ترین هنرمندان قرن بیستم است. نقاشی‌های اوارد مونش، هنرمند برجسته نروژی تحت عنوان «اسرار پشت‌پوچه»، در مجموعه بزرگ گنست هاله برمن آلمان افتتاح شد. جالب توجه است که چند اثر از این مجموعه در سال ۱۹۱۸ توسط مدیر سابق گنست هاله خریداری شده و از پاس از سال‌ها برای نخستین‌بار در معرض دید مخاطبان هنر قرار می‌گیرد. تابلوهای بوی مرگ و کودک و مرگ اولین آثار مونش هستند.

کلبه کوچک‌من

بذر افشانی (۷۱)

اردشیر خرم‌نکوب

■ مرد تازه‌وارد، خودش را استاد ریسک می‌داند. می‌گویند: کسی را پیدا نمی‌کنید که در ساحل یک بانایق خانه بسازد، چرا که مردم بیش از خود بانایق، از اسمش می‌ترسند. می‌گویند: استادی من در این است که یک قطعه زمین ۳۰۰ هکتاری را در لابه‌لای کلمه‌ها و ورق‌ها و اسناد صوری – و نه در واقعیت – به بانایق تبدیل می‌کنم. همه که می‌ترسند و می‌گریزند، زمین را به اسم خودم سند می‌زنم. افسوسش در این است که قدرش دانسته نمی‌شود. می‌گویند: «هن نخیلی هستم که خیلی زود به واقعیت می‌انجامم.» از زن و زندگی متفر است و راننده‌ی او همچون سرتان، صورت فلکی حماقت می‌داند. بسه همین دلیل اصلاً با جوان کلبه، هم‌کلام نمی‌شود و چند پرسش او را بی‌پاسخ می‌گذارد و کاملاً پشت به او، با من صحبت می‌کند. با وجود اینکه می‌داند هیچ‌کدام ما، ساعت مچی نداریم مرتب از من می‌پرسد: ساعت چند است؟ به‌خاطر برحرفی او، بعید می‌دانم بتوانم چیزی بنویسم. وقتی حرف می‌زند، حتماً باید می‌شورزش نگاه کنم. آن هم چشم در چشم، یکبار که در حین صحبت او سرم به نوشته‌ام فرو افتاد، به ابتدای هر جمله‌اش «به من نگاه کن» افزود. و مگر این «به من نگاه کن» دست می‌کشد؟! ■ ■ ■

شاید کسی به قدر یک کشاورز گندم‌کار، قدر لانه‌های گندم را نداند. من اما، گندم‌کاران بسیاری را دیده‌ام که کیسه‌های پر از گندم سالم و بی‌عیب و نقص خود را به دست خود از کنج خانه‌هایشان بدر می‌برند و به دست خود آنها را پخش زمین می‌کنند. بذرافشانی و به زمین پاشیدن گندم از نگاه کودکی که هنوز آداب کشت و کار را نمی‌داند، به همان میزان با «فادانی» هم‌راه است که برای یک گندم‌کار با «درستی» آن کودک اما خیلی زود خواهد دانست که بیرون پاشیدن گندم، عین دانش و دوراندیشی است. تا چندی پیش، صورت‌ظاهر این کاراز نگاه او، تلف کردن گندم سالم بود اما حالا فهمیده است که برای به‌دست آوردن گندم بیشتر، باید بخشی از گندم را به خاک افشاند. و باز بعدها می‌فهمد که برای بذرافشانی، باید از میان گندم‌های کنج خانه، بهترین‌ها و سالم‌ترین‌ها را برگزید. منتها همان پدر هوشمند و پاداش که با اطمینانی به وسعت تاریخ کشت، بذر گندم خود را در زمین شخم خورده می‌افشاند، در یک نقطه کوچک، با کودکی نان‌ان خود، به بی‌اعتمادی مسترکی می‌رسد؛ اینکه آیا بارانی خواهد بارید؟ یا آفتی بساط رحمت او را به هم نخواهد ریخت؟ یا صافق‌های خرم آرزوهای او را به خاکستر بدل نخواهد کرد؟ یا حتی در پایان کار، آیا به همان بذر بیرون پاشیده‌اش دست خواهد یافت؟

دریچه دوست‌وشصت‌ویکم، ما را به تماشای تصویری دوباره اما بکر و شوق‌انگیز فرامی‌خواند. در پاره نخست این تصویر، کشاورز ما در حال افشاندن بذر گندم است. در پاره دیگر، همو در میان گندم‌زاری سرسبز و انبوه ایستاده است. به نحوی که تنها سر او از میان قامت بلند گندمزار بیرون است. با فهم این واقعیت عجیب که: یک دانه بذر او در پاره نخست، هفت خوشه در پاره دیگر برآورده است، و در هر خوشه، یکصد دانه این چشم‌انداز، که یک یک دانه بذر زارع ما، سه ۷۰۰ دانه افزایش یابد، طلایی‌ترین ترق این نیکبختی کشاورزان است. این تصویر شوق‌انگیز، یک نوشته و یک تقدیم‌نامه بر پیشانی خود دارد. نوشته‌ای به قلم خود خدای متعال. آن را می‌خوانیم؛ تقدیم به کسانی که از اموال خود در راه خدا و برای رضایت خدا، اتفاق می‌کنند.

دور ایران

■ علی ترابی، دبیر اجرایی بیست و هفتمین جشنواره موسیقی فجر شد

■ پس از استعقال از نمایشگاه‌های عکس بوستر و مواد تبلیغاتی فیلم «به حبه قند» در شیراز و اصفهان، این نمایشگاه از دوشنبه ۲۵ مهر در سینما آزادی آغاز به کاری می‌کند.

■ عکس‌های «عبدالله میرزای قاچار» از مجموعه معددلی جدیدالاسلام در عکسخانه شهر به نمایش درمی‌آید. دومین عکاس مشهور و پررکار ایرانی بعد از آقازخان اقبال‌السلطنه که نمونه عکس‌های برداشته شده توسط او به فراوانی در آلبوم‌های کاخ گلستان و دست‌خانواده‌ها و اشخاص دیده می‌شود.

خبر آخر

انتقاد سفیر از وزیر

■ مهر: سفیر ایران در آلمان حضور کشورمان در نمایشگاه کتاب فرانکفورت را ضعیف ارزیابی کرد و گفت: گزارش مفصلی ۲۰ پیشنهاد برای حضور آبرومنده‌تر در این نمایشگاه نوشته و به وزیر ارشاد دادم؛ اما در پیگیری‌هایم گفته شد که وزیر گزارش را خوانده و به حوزه مربوطه راجع داده تا بعداً اجرایی شود. علیرضا شیخ‌عطار، سفیر ایران در آلمان گفت:نمایشگاه کتاب فرانکفورت یکی از بزرگ‌ترین و استثنایی‌ترین وقایع فرهنگی جهان است که برای ما هم یک فرصت به حساب می‌آید تا بتوانیم فرهنگ غنی کشورمان را نه فقط به آلمانی‌ها بلکه به جهان معرفی کنیم. این نمایشگاه برای تبادل اندیشه و فعالیت در عرصه کتاب تشکیل می‌شود و ما این تریبون و امکان را در اختیار داریم که محصولات ادبی و فرهنگی خود را در این فرصت معرفی کنیم. این نمایشگاه بر خلاف نمایشگاه کتاب تهران، یک بازار مکاره برای فروش کتاب نیست؛ بلکه اینجا محل تبادل نظر اهل فکر و نظر است.